

شناسایی و تبیین گفتمان‌های ناظر بر اغتشاشات پاییز ۱۴۰۱ در جمهوری اسلامی ایران از منظر اندیشمندان انقلاب اسلامی اسماعیل کلاتری^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۲۴

چکیده:

تحلیل اغتشاشات پاییز ۱۴۰۱ در جمهوری اسلامی که به تعبیر رهبر معظم انقلاب توسط دشمنان انقلاب اسلامی طراحی شده بود، از زوایای مختلفی قابل انجام است. هدف این پژوهش شناسایی و تبیین گفتمان‌های مختلف برای تحلیل این اغتشاشات است. بدین منظور از روش تحلیل گفتمان لاکلا و موف، به عنوان یک روش پژوهش کیفی، استفاده شده است. گردآوری داده‌ها با استفاده از مصاحبه نیمه ساختاریافته و عمیق با ۱۹ نفر از اساتید انقلاب اسلامی که در بهمن ۱۴۰۱ در نشست انجمن علمی انقلاب اسلامی در شیراز گرد هم آمده بودند، طی ۳۰ ساعت مصاحبه و حدود ۴۰۰ صفحه یادداشت، انجام شده است. پس از کدگذاری مصاحبه‌ها؛ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد تحلیل اغتشاشات پاییز ۱۴۰۱ در چهار گفتمان که در رابطه تکمیل‌کنندگی نسبت به یکدیگر قرار دارند، می‌گنجد: نخست، «گفتمان سیاسی - امنیتی» حول دال مرکزی «مواجهه تمدنی اسلام و غرب»؛ دوم، «گفتمان نظام حکمرانی» حول دال مرکزی «کژکارکردهای حکمرانی»؛ سوم، «گفتمان تربیتی» حول دال مرکزی «ضعف رویکرد الهی در نظام تربیت رسمی و غیررسمی»؛ و چهارم، «گفتمان اجتماعی» حول دال مرکزی «شیوع سبک زندگی غربی» است. توجه عمیق به این نتایج توسط سیاست‌گذاران و تصمیم‌سازان حکمرانی، می‌تواند در کاهش آسیب‌های این اغتشاشات و تا حدودی پیش‌گیری از اغتشاشات مشابه، کمک‌کننده باشد.

واژگان اصلی: تحلیل گفتمان، جمهوری اسلامی ایران، انقلاب اسلامی، اغتشاشات پاییز ۱۴۰۱، زن، زندگی، آزادی.

مقدمه

اغتشاشات فتنه‌گونه پاییز ۱۴۰۱، که با بهانه فوت یک شهروند و با شعار «زن، زندگی، آزادی» شروع شد، اضلاع و ابعاد مختلفی دارد. گاهی بسترها و زمینه‌هایی در جامعه پنهان هستند که در اثر برخی رویدادها آشکار می‌شوند. پژوهشگران عوامل متعدد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، علمی، رسانه‌ای و محیطی که برخی داخلی و برخی خارجی، برخی نرم و برخی سخت، برخی از ناحیه فریب‌خورندگان داخلی و برخی با طراحی پیشین از سوی دشمنان (اعم از جریان نفوذ، تجزیه طلبان، منافقان، سلطنت‌طلبان و سایر معاندان و معارضان) بوده‌اند، را در شکل‌گیری این اغتشاشات مؤثر می‌دانند (عرفان منش، ۱۴۰۲). بدین ترتیب وقایعی همچون ناآرامی‌ها، اعتراض‌ها، آشوب‌ها یا فتنه‌های اجتماعی سیاسی از منظرهای مختلفی قابل بررسی و تحلیل هستند (صادقی و عرفان منش، ۱۳۹۸). از منظر پژوهشگران بیشتر ناآرامی‌ها توان بالقوه بالایی برای اعتراض‌های اجتماعی هستند. اگر چه این ناآرامی‌ها با ظرفیت اقتصادی، سیاسی و فرهنگی متفاوتی هستند و هر کدام مستلزم شرایط مساعد و فشارهای ساختاری متباینی هستند (پناهی و گودرزی، ۱۳۹۲)؛ لیکن تقابل همیشگی جبهه انقلاب اسلامی با جبهه غربی نیز در تحلیل این اغتشاشات باید مورد توجه جدی قرار بگیرد (خواجه سروی و خجسته، ۱۳۹۸).

رهبر معظم انقلاب نیز درباره این اغتشاشات می‌فرماید: «طراحی این اغتشاش‌های پاییز گذشته [۱۴۰۱] در اتاق‌های فکر کشورهای غربی انجام گرفت. طراحی‌اش آنجا شد. طراحی‌جامعی هم انجام دادند. طراحی در اتاق‌های فکر غربی، پشتیبانی مالی و رسانه‌ای و تسلیحاتی به وسیله دستگاه‌های امنیتی غربی [انجام گرفت]. پشتیبانی کردند. هم پشتیبانی مالی کردند، هم پشتیبانی تسلیحاتی کردند، هم پشتیبانی رسانه‌ای وسیع و گسترده انجام دادند. پادویی‌اش را به وسیله تعدادی از عناصر خائنی که پشت به وطن کرده بودند انجام دادند، پادویی‌اش را عناصری کردند که به کشورشان خیانت کردند؛ از این جا رفتند خارج و مزدور و عامل سیاست‌های دشمن ایران شدند؛ نه فقط دشمن اسلام و دشمن جمهوری اسلامی، [بلکه] دشمن ایران. یک عده هم پیاده نظام اینها در داخل بودند. این پیاده نظام ترکیبی [بود] از تعداد معدودی آدم‌های مغرض، تعداد بیشتری آدم‌های غافل و احساساتی و کم عمق و جمعی هم اراذل و اوباش؛ اینها هم پیاده نظام این اغتشاش بودند. از اتاق‌های فکر دشمنان در کشورهای غربی بگیرد تا اراذل و اوباش خیابان‌های تهران و بعضی شهرهای دیگر؛ این، مجموعه این حرکت بود. فکر همه جایش را کرده بودند؛ رادیوها و تلویزیون‌های کشورهای خارجی بی‌ملاحظه، بدون رودرپایستی ساختن بمب

دستی را به مردم یاد می‌دادند؛ شعار تجزیه ایران را در زبان‌های اینها قرار دادند؛ حرکت مسلحانه داخل خیابان‌ها را با سلاح‌های قاچاق ترویج کردند؛ اراذل و اوباش‌شان، جوان دانشجو و طلبه بسیجی، یا عنصر انتظامی، یا عنصر بسیجی را در خیابان، جلوی چشم مردم با شکنجه به قتل رساندند و شهید کردند» (خامنه‌ای، ۱۴۰۲ الف). لذا رهبر معظم انقلاب نیز نقش توأمان عوامل داخلی و خارجی را در شکل‌گیری، راهبری و تداوم این اغتشاشات به صراحت بیان می‌کنند.

لذا مبتنی بر آنچه بیان شد، عوامل و بسترهای گوناگونی در آغاز و استمرار این اغتشاشات اثرگذار است که فهم جامع و دقیق از آنها می‌تواند در پیش‌بینی و پیش‌گیری موارد مشابه در آینده، بسیار مثمر ثمر باشد. لذا در این پژوهش، پژوهشگر به دنبال شناسایی و تبیین گفتمان‌های ناظر بر اغتشاشات پاییز ۱۴۰۱ با شعار محوری «زن، زندگی، آزادی» در جمهوری اسلامی ایران است. بدین منظور ابتدا به مرور ادبیات نظری و تجربی در این باره پرداخته می‌شود و سپس با به کارگیری روش تحلیل گفتمان به شیوه لاکلا و موف،^۱ به شناسایی و تبیین گفتمان‌ها مربوط خواهد پرداخت.

۱- مرور ادبیات

۱-۱. روایت تحلیلی اغتشاشات پاییز ۱۴۰۱

با روی کار آمدن دولت آیت الله رئیسی و تغییر راهبردی سیاست‌ها و جهت‌گیری‌های دولت جمهوری اسلامی ایران، ایالات متحده با چالشی اساسی مواجه شد: جمهوری اسلامی ایران با مرزهای نفوذ منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای با ائتلاف‌های امنیتی و راهبردی با روسیه و چین. بدین ترتیب ایالات متحده خود را ناچار به مقابله با قدرت فزاینده جمهوری اسلامی و بهترین راه مقابله را جنگ ترکیبی و سازوکارهای ائتلافی می‌بیند (متقی، ۱۴۰۱؛ مفخمی شهرستانی و احتشامی، ۱۴۰۱).

بر این اساس مسئله زنان به عنوان یکی از نقاط حساس که قابلیت مانور و زمینه شکل‌گیری فتنه‌ای اجتماعی را داراست، مورد توجه قرار می‌گیرد. رهبر معظم انقلاب نیز در بیانات خود به این موضوع اشاره کردند: «در اغتشاشات پاییز [سال ۱۴۰۱]، اینها مسئله زن را بهانه کردند، هیاهو راه انداختند؛ پشت قضیه هم دستگاه‌های جاسوسی دشمن‌ها بودند، [یعنی] دولت‌های غربی؛ آن کشورهایی که خودشان در مسئله زن به شدت متهم‌اند» (خامنه‌ای، ۱۴۰۲ اب).

¹ Laclau and Mouffe

بر همین مبنا، غرب و در رأس آن ایالات متحده، به ترویج کم‌حجابی و بی‌بند و باری و به‌طور دقیق سبک زندگی غربی، در جمهوری اسلامی ایران، به‌ویژه با محوریت زنان و مسئله حجاب، اقدام کردند (گنج‌خانلو و شاکری گلپایگانی، ۱۴۰۲). مقابله با این موضوع در طی سال-های اخیر، با اقداماتی بعضاً سلبی و بعضاً ایجابی از سوی نهادهای مختلف، پاسخ داده شده است؛ اگرچه این اقدامات بسیار پراکنده و توأم با ضعف راهبردی و همراه با فراز و نشیب بسیار بوده است. در این میان، در طی سنوات اخیر پلیس امنیت عمومی فراجا مأموریت مقابله با کشف حجاب را، به‌عنوان یک جرم مشهود، در دستور خود داشته است. استناد قانونی این مأموریت، ردیف «ج» بند ۸ ماده ۴ قانون فراجا مبنی بر لزوم مبارزه سازمان انتظامی با منکرات و فساد و تبصره ذیل ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی مبنی بر مجازات کشف حجاب در اماکن عمومی است (مفخمی شهرستانی و احتشامی، ۱۴۰۱).

در این بستر فرهنگی اجتماعی، در تاریخ ۲۲ شهریور ۱۴۰۱ در ساعت ۱۸:۳۰ پلیس در حال انجام مأموریت قانونی خود، یکی از شهروندان را که خلاف قانون مذکور رفتار کرده بوده را مشاهده و اعمال قانون می‌کند. بدین ترتیب فرد مذکور در خیابان و در معرض دید همگان و در حضور برادر خود و بستگان به خودروی پلیس هدایت می‌شود. در آنجا این خانم در حالی که با یکی از مأموران پلیس گفتگو می‌کند، دچار بدحالی می‌شود و در نهایت به زمین می‌افتد. کمتر از دو دقیقه بعد، بهیار پلیس و سپس اورژانس موتوری در محل حاضر و پس از آن فوراً از طریق آمبولانس به بیمارستان منتقل می‌شود. همه این ماجرا در معرض دوربین مدار بسته اتفاق می‌افتد که فیلم‌های آن نیز منتشر شده است. سه روز بعد در تاریخ ۲۵ شهریور ۱۴۰۱، به‌رغم تلاش کادر درمان در بیمارستان کسرای تهران، این شهروند فوت کرد. با بهانه مرگ او و با حمایت ایالات متحده، رژیم صهیونیستی، اپوزیسیون داخلی و خارجی و سرویس‌های اطلاعاتی کشورهای معاند، ناآرامی‌ها و اغتشاشاتی در کشور شکل گرفت. به دنبال این اغتشاشات، فعالیت بعضی دانشگاه‌ها و مدارس دچار اختلال و دامنه این اغتشاشات در برخی از شهرها به خشونت‌های مسلحانه و قتل افراد بی‌گناه و اختلال در نظم و امنیت عمومی کشیده شد (مهر، ۱۴۰۱).

تحلیل‌های اطلاعاتی امنیتی بیانگر این است که در شش ماهه اول سال ۱۴۰۱، جمهوری اسلامی ایران با توفیقات متعدد و فرصت‌هایی در عرصه داخلی و خارجی روبرو شد. این شرایط منجر به بروز نگرانی‌های راهبردی ایالات متحده و شرکای محلی آن برای ضربه زدن به جمهوری

اسلامی شد. بنابراین ایالات متحده به سمت بازنویسی نسخه فشار حداکثری از جنس دموکرات‌ها (جنگ ترکیبی) ذیل راهبرد مهار و محدودسازی جمهوری اسلامی حرکت نمود. بدین منظور سه گام ذیل طراحی شده بود (کاظمی، ۱۴۰۲):

گام اول: ایجاد فضای اعتراضی نسبت به فوت یک شهروند زن، دامن زدن به اعتراض جماعت ناراضی و تولید فضای احساسی و تردید برای همراه‌سازی اقشار خاکستری و همسو؛
گام دوم: کشاندن فضای اعتراض به اغتشاش با تلاش برای اعتصاب روزانه و اغتشاش شبانه و فعال شدن جریان‌ها و گروه‌های غیرهمسو؛
گام سوم: تبدیل فضای اغتشاش به حرکت مسلحانه با فعال شدن گروه‌ها و تیم‌های مسلح در محیط اغتشاش‌ها با تعرض به اماکن و نیروهای نظامی و انتظامی و کشته‌سازی.

آن‌ها در حوزه افکار عمومی نیز تلاش کردند با ایجاد جنگ روانی پرفشار و تولید موج‌ها و هشتک‌ها در فضای مجازی حس نفرت، خشم و غم را در جامعه تحریک کنند. بررسی‌ها نشان می‌دهد برای این منظور روی چهار محور تمرکز داشتند: القای نظام اقتدارگرا و یکدست محدودکننده؛ القای تبعیض و نقض حقوق زنان؛ القای نظام تهدیدگر جان و نان؛ القای فروپاشی نظام جمهوری اسلامی و پایان عمر انقلاب اسلامی. سرمایه‌گذاری روی موضوعاتی که بتواند در جامعه تولید تفرقه کند و انسجام کشور را هدف بگیرد، همواره جزء راهبردهای قدیمی ولی پر استفاده دشمن، نه‌تنها در جمهوری اسلامی بلکه در هر جامعه‌ای که چنین ظرفیتی داشته باشد؛ بوده است. این سرمایه‌گذاری در سه حوزه بوده است: حوزه زنان؛ حوزه قومی و مذهبی؛ و حوزه جوانان.

بررسی‌های اطلاعاتی در سازمان اطلاعات سپاه بیانگر نقش‌آفرینی و مشارکت سرویس‌های اطلاعاتی نزدیک به بیست کشور در اغتشاشات پاییز ۱۴۰۱ است. طی سال‌های اخیر تلاشی برای ایجاد ائتلاف و تقسیم کار میان گروه‌های معارض جمهوری اسلامی ایران و سرویس‌های اطلاعاتی کشورهای متخاصم در جریان بوده است که در وقایع اخیر خود را به منصفه ظهور رسانده است. البته مداخله سرویس‌های اطلاعاتی و سفارتخانه‌های این کشورها به صورت مستقیم و غیرمستقیم یا با همکاری عوامل نیابتی در عرصه‌های مختلف سیاسی، امنیتی، دیپلماتیک، حقوقی و سایبری بوده است. بعضی از این اقدامات عبارتند از: ۱. جمع‌آوری اطلاعات از وضعیت میدانی اغتشاشات و مطالبات اغتشاش‌گران؛ ۲. شناسایی مسیرها و گروه‌های فعال در قاچاق سلاح و مهمات؛ ۳. هماهنگ‌سازی گروهک‌های تروریستی؛ ۴. حمایت مالی و رسانه‌ای از اغتشاش‌گران؛ ۵.

اعمال فشار بر نهادهای حقوقی و بین‌المللی با هدف انزوا و اخراج ایران؛ ۶. تشدید فشارهای دیپلماتیک بر جمهوری اسلامی ایران؛ ۷. تلاش برای متحدسازی و تقویت عناصر اپوزیسیون و معاند، ۸. زمینه‌سازی و حمایت از برگزاری تجمعات ضدانقلاب در خارج کشور؛ ۹. تشدید فشار تحریمی و موج‌سازی رسانه‌ای در حوزه معیشت و گرانی؛ ۱۰. طراحی اقدامات ایذایی و خرابکاری سایبری.

مهم‌ترین کشورهای فعال در این باره عبارتند از: ایالات متحده، انگلیس، امارات، عربستان، فرانسه، آلمان، کانادا، بلژیک، اتریش، آلبانی، استرالیا، ایسلند، ایتالیا، کوزوو، نروژ، بحرین، نیوزلند و رژیم اشغالگر صهیونیستی. در این زمینه برخی از تحرکات این سرویس‌ها و عوامل آنها به شرح زیر است (کاظمی، ۱۴۰۲):

۱. تحرکات دیپلمات‌های سفارت فرانسه در تهران برای جمع‌آوری اطلاعات میدانی از اغتشاشات و وضعیت نیروهای امنیتی و انتظامی در مهرماه و تبادل اطلاعات با افسر اطلاعاتی سفارت یکی از کشورهای اروپایی.

۲. تلاش رژیم صهیونیستی برای توجیه ایجاد صندوق حمایت از اعتصاب‌کنندگان و معترضین به ابتکار و تأمین مالی ایالات متحده و دیگر کشورها.

۳. جلسه سفرای ۲۸ کشور اروپایی در سفارت یک کشور اروپایی در نیمه مهرماه ۱۴۰۱ برای بررسی پیشنهاد فراخوان سفرای کشورهای عضو اتحادیه اروپا و بستن سفارتخانه‌های اروپایی در ایران با محوریت آلمان.

۴. استفاده از اتباع غیراروپایی (افغانی، پاکستانی، عراقی) و حضور اتباع اروپایی برای جمع‌آوری اطلاعات و مستندسازی وضعیت اغتشاشات که منجر به بازداشت ۴۰ نفر از اتباع یکی از کشورهای همسایه، یک نفر تبعه فرانسوی-ایرلندی در استان خراسان رضوی و یک تبعه آلمانی در استان اردبیل شد.

۵. تشدید فعالیت‌ها و پشتیبانی سازمان سیا در جهت ایجاد بسترهای سایبری لازم برای مخاربه اخبار اغتشاشات از جمله تلاش برای ارسال تجهیزات فنی، ابزارهای گریز و لغو تحریم وسایل مرتبط با ارتباطات موبایلی به بهانه جریان آزاد اطلاعات و آزادی اینترنت در بحبوحه اغتشاشات.

۶. درخواست سیا مبنی بر تشکیل تیم مشترک با موساد و ام‌آی شش برای فعال‌سازی

مجدد پروژه ترور دانشمندان به ویژه در حوزه هسته‌ای و فضایی و نظامی در اواخر اغتشاشات. ۷. نشست دوره‌ای مشترک سازمان اطلاعاتی امارات و رژیم صهیونیستی در یک کشور عربی با موضوع حمایت از اغتشاشات در ایران.

سرانجام این اغتشاشات و ناآرامی‌ها با حضور گسترده عموم مردم در برابر آشوبگران و تلاش نیروهای اطلاعاتی و انتظامی در مقابله با اراذل و اوباش؛ و کاسته شدن از حضور اغتشاشگران، به تدریج رو به افول گذاشت و پس از چند ماه کاملاً خاموش شد.

۲-۱. مرور پیشینه

جستجوی پایگاه‌های اطلاعات علمی نشان می‌دهد مقالات علمی معدودی درباره اغتشاشات پاییز ۱۴۰۱ با شعار «زن، زندگی، آزادی» انجام شده است. عرفان منش (۱۴۰۲) در پژوهشی به تحلیل راهبردی با تکنیک **PESTEL** (دارای ابعاد سیاسی - مدیریتی، اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی، فناوریانه، محیطی، حقوقی - قانونی) از زمینه‌های فرهنگی ارتباطاتی فتنه پاییز ۱۴۰۱ می‌پردازد. یافته‌های این پژوهش در ۱۱ محور ارائه شده‌اند که عبارتند از: ۱- مسئله قطبی شدن مردم و القای شکاف میان هویت ایرانی و هویت اسلامی؛ ۲- شکاف و واگرایی در منابع اجتماعی شدن و جامعه‌پذیری؛ ۳- کاستی‌ها در سیاست‌گذاری برای مخاطبان حداکثری در رسانه ملی؛ ۴- مرجعیت یابی شبکه‌های اجتماعی و برآمدن سلبریتی‌ها به عنوان گروه مرجع؛ ۵- فقدان سازوکار بیان اعتراض مسالمت‌آمیز برای مردم؛ ۶- لایه‌های محیطی و هم‌زمانی با سایر تحولات فراملی؛ ۷- کاستی‌ها در اقناع مردم و جهاد تبیین؛ ۸- ناکارآمدی علوم اجتماعی و فقدان جامعه‌شناسی مفسر؛ ۹- ائتلاف مخالفان و معاندان در جنگ شناختی و ترکیبی و پروژه نفوذ؛ ۱۰- عادی‌انگاری نعمت امنیت و ضعف در حافظه تاریخی؛ ۱۱- مسائل اعتماد اجتماعی، مشارکت عمومی و فاصله مردم و مسؤولان.

در پژوهش دیگری مفخمی شهرستانی و احتشامی (۱۴۰۱) با هدف تحلیل امنیتی - اجتماعی ناآرامی‌های پاییز ۱۴۰۱ که با رویکرد کیفی و مبتنی بر داده‌های موجود در بانک اطلاعاتی داخلی پلیس امنیت عمومی فراجا انجام شده و حاصل جمع‌بندی مصاحبه‌ها و تحلیل شخصیت تمام افرادی است که در اغتشاشات پاییز ۱۴۰۱ حضور فعال داشته و برای توجیه و مصاحبه به پلیس امنیت عمومی هدایت شده‌اند، نتایج ذیل به دست آمده است: تحلیل یافته‌های برگرفته از رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی، نشان‌دهنده واکنش جریان‌های مختلف معاندین، گروه‌های اپوزیسیون، سلطنت‌طلب‌ها و آنارشویست‌ها در تولید محتوا و اقدامات مختلف با تکنیک‌های ویژه در مخالفت

با جمهوری اسلامی ایران است. آموزش‌های ارائه در این فضا، چالش‌های مختلفی را برای کشور ایجاد کرده است. تحلیل محتوای حاصل از مصاحبه‌ها پنجاه مقوله را در هفت بعد مختلف برای تحلیل در بر دارد: میدانی، عقیدتی و مذهبی، شبکه‌ای-هدایتی، رفتاری، معیشتی-اقتصادی، امنیتی-اطلاعاتی، و مداخله خارجی. بر اساس یافته‌های این پژوهش اغتشاشات پاییز ۱۴۰۱ با استفاده از ارتباطات اینترنتی به دنبال تئوری‌پردازی محافل فکری برای در اختیار گرفتن افکار عمومی جوانان، زنان و اقلیت‌های قومی و مذهبی و القای تفکر سانسور شدید در ایران بوده است. احمدی (۱۴۰۱) در تحلیل جایگاه زنان در ناآرامی‌های ۱۴۰۱ نتایج ذیل را بیان می‌کند: ۱- امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران و حفظ قدرت و اقتدار آن باید مهم‌ترین اصل در تمام سیاست-گذاری‌ها باشد. تلاش برای ریشه‌یابی و تحلیل این اتفاقات صرفاً با نگاه به عوامل خارج از کشور، مرهمی موقت است که فرصت درمان واقعی را ناکام می‌گذارد؛ ۲- کلید گشایش در چنین رویدادهایی، شناخت واقعی تغییرات اجتماعی در داخل کشور است. شناختی که مبتنی بر اصول علمی و کارشناسی با کاربرد روش‌های تفهیمی از سوی نخبگان فکری دارای دستگاه نظری جامع و فراگیر، به سیاست‌گذاران ارائه می‌شود؛ ۳- در صورت‌بندی گفتمانی امامین انقلاب اسلامی، زنان به عنوان سوژه اصالت‌یافته و کنشگر فعال در تمامی حوزه‌ها بوده و نقش‌آفرینی زنان به رعایت اصل کرامت انسان و حفظ شؤونات دینی، با هیچ محدودیتی مواجه نبوده است. از این رو بود که زنان عرصه‌های مختلف اعم از سینما، ادبیات، دانشگاه، درمان، آموزش و ... را قدرتمندانه در دست گرفتند. مشکل از آنجا شروع شد که اجماعی درون‌گفتمان انقلاب اسلامی برای چگونگی برخورد با این سوژه مستقل اندیشیده نشد؛ ۴- تدبیر همراه، همگون و هم‌وزن با تغییرات اجتماعی متحول و پیچیده زمانه در عرصه‌های مختلف، حکم می‌کند تصمیم‌های جدی‌ای برای مطالبات اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و ... اتخاذ شود؛ ۵- رویکرد مبتنی بر جذب و شناسایی، به جای طرد، مهم‌ترین گام در رویارویی با مسئله تبدیل سبک زندگی به محل مناقشه جامعه است.

طاهری کیا (۱۴۰۱) در پژوهشی ابداکتیو به بررسی و تحلیل رخداد زن، زندگی، آزادی به مثابه نبردی برای تسخیر فضا می‌پردازد. بر این اساس، پژوهشگر به گردآوری استدلال‌های داده-محور و نظری برای تبیین احتمال کارکرد رخداد مذکور در تسخیر ملاً علم اسلامی اقدام می‌کند. در این مقاله میدان ملاً علم اسلامی در رخداد زن، زندگی، آزادی، میدان آماده‌ای برای مبارزه و اعتراض تعبیر می‌شود که پتانسیل جذب نیروهای مختلف و متکثر را برای پیوستن به آن با هدف

ترتیب دادن به شعارهای خود فراهم کرده است. محمدی و زین‌الصالحین (۱۴۰۲) در مقاله‌ای به بررسی کارکردهای رتوریکِ ترانه اعتراضی شروین حاجی‌آقاپور پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که این ترانه، در مراحل اولیه پیدایش ناآرامی‌های پاییز ۱۴۰۱، با تأکید بر اضطراب وضعیت نابه‌سامان اکنون و نوید آینده‌ای روشن، به دگرگون‌سازی ادراکات از واقعیت اجتماعی کمک کرده و از طریق تغییر ادراک از قربانی شدن، هویت، عزت نفس و پایگاه اجتماعی معترضان، به ترمیم و تقویت ایگوی آسیب‌دیده آن‌ها کمک کرده است.

۲- روش پژوهش

این پژوهش، پژوهشی کیفی مبتنی بر راهبرد تحلیل گفتمان است (میرزایی، ۱۳۹۵). هدف اصلی پژوهش «احصا و تبیین گفتمان‌های تحلیلی درباره اغتشاشات پاییز ۱۴۰۱ از منظر اندیشمندان انقلاب اسلامی» است. ابزار گردآوری داده‌ها در این پژوهش مصاحبه عمیق و نیمه-ساختاریافته است. بدین منظور با ۱۹ نفر از اساتید درس انقلاب اسلامی از سراسر کشور در حاشیه نشست انجمن علمی انقلاب اسلامی در بهمن ۱۴۰۱ در حرم مطهر شاهچراغ علیه‌السلام شیراز مصاحبه شده است. هر مصاحبه به صورت میانگین ۹۰ دقیقه به طول انجامیده و در مجموع حدود ۳۰ ساعت مصاحبه انجام گرفته است. سپس متن مصاحبه‌ها پیاده شده و در قالب یک متن مکتوب حدود ۴۰۰ صفحه‌ای مورد واکاوی و تحلیل قرار گرفته است.

روایی سؤالات مصاحبه مبتنی بر نظریات خبرگان و انجام اصلاحات مورد نظر آنها تأیید شد. بدین منظور سه نشست مجزا با حضور پنج نفر از خبرگان درس انقلاب اسلامی تشکیل و سؤالات مصاحبه به دقت بررسی شده است. برای تحلیل مصاحبه‌های انجام شده با خبرگان، با به کارگیری روش تحلیل گفتمان لاکلا و موف به شناسایی مهم‌ترین مفاهیم هر گفتمان اقدام شد. لاکلا و موف نظریه گفتمان خود را در سال ۱۹۸۵ ارائه کردند. مهم‌ترین مفاهیم در این نظریه عبارتند از (Laclau and Mouffe, 1985):

الف. مفصل‌بندی: آنچه میان مفاهیم یک گفتمان ارتباط برقرار کند، به گونه‌ای که هویت این مفاهیم را آشکار کند، مفصل‌بندی نامیده می‌شود. مفهوم مفصل‌بندی نقش مهمی در نظریه گفتمان دارد. مفاهیم متفاوتی که جدا از هم شاید بی‌مفهوم باشند، وقتی در کنار هم در قالب یک گفتمان

¹ Articulation

مفصل‌بندی می‌شوند، هویت می‌یابند؛

ب. دال مرکزی: هسته مرکزی گفتمان را دال مرکزی می‌گویند. نیروی جاذبه این هسته سایر نشانه‌ها را به خود جذب می‌کند. دال مرکزی، نشانه یا نشانه‌هایی است که سایر نشانه‌ها حول آن نظم می‌گیرند. اهمیت دال مرکزی از اینجا نشأت می‌گیرد که ظهور یک گفتمان به واسطه تثبیت نسبی معنا حول آن شکل می‌گیرد؛

ج. لحظه‌ها: دال‌هایی را که حول دال مرکزی گرد هم می‌آیند، لحظه‌ها می‌نامند. لحظه‌ها عبارتند از موقعیت‌ها و عناصری که درون یک گفتمان مفصل‌بندی می‌شوند. هر نشانه ممکن است چندین معنا داشته باشد، لیکن طبعاً هر گفتمان یکی از آن معانی را بر حسب هم‌خوانی با نظام خود تثبیت و بقیه را طرد می‌کند؛

د. ضدیت یا غیریت: گفتمان‌ها در ضدیت و تفاوت با یکدیگر شکل می‌گیرند. اهمیت مفهوم غیریت یا ضدیت در آن است که هر چیزی در ارتباط با غیر هویت می‌یابد. گفتمان‌ها با استفاده از برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی تلاش می‌کنند نقاط قوت خود را برجسته و نقاط ضعف خود را پنهان کنند. همچنین نقاط قوت غیر را پنهان و نقاط ضعف او را برجسته کنند.

در این پژوهش برای سنجش اعتبار یافته‌ها، از شاخص‌های چهارگانه اعتماد^۱ یا قابلیت اطمینان، اعتبار^۲ یا قابل قبول بودن، انتقال پذیری^۳ و تأییدپذیری^۴ استفاده شد (Linkoln and Guba, 1985). اعتبار پژوهش بدین معنی است که فرایند پژوهش به گونه‌ای تدوین شود که نتایج روشن و معین از یافته‌های پژوهش استخراج شود (Linkoln and Guba, 1985). بدین ترتیب اقدامات ذیل انجام شده است: یافته‌های پژوهش با دو نفر از مطلعان کلیدی مطرح و طی چند مرحله رفت و برگشتی، اصلاحاتی در آنها انجام شد. همچنین خبرگان مصاحبه‌شونده در این پژوهش طی روالی نظام‌مند و ساخت یافته انتخاب شده‌اند تا پژوهشگر بتواند داده‌های معتبری را برای هدف پژوهش به دست آورد. اعتماد به معنی انسجام و یکپارچگی نتایج پژوهش است به

¹ rdal point

² nments

³ antagonism

⁴ dherness

⁵ Dependability

⁶ Credibility

⁷ Transferability

⁸ Confirmability

گونه‌ای که در صورت تکرار پژوهش، نتایج مشابهی حاصل شود که راهکار آن مستندسازی داده‌ها، روش‌ها و کلیه تصمیم‌های مربوطه است (Linkolin and Guba, 1985). بدین منظور در این پژوهش مصاحبه‌ها با در پیش گرفتن پروتکلی مشخص انجام شد. همچنین به منظور پرهیز از دخالت سلیقه‌های فردی، پژوهشگر تلاش کرده یافته‌های مصاحبه‌ها با سایر داده‌ها مانند اسناد، مدارک و آمارها مطابقت داده شود و روند پژوهش با مراحل علمی روش‌های تحلیل داده‌ها پیش برود. تأییدپذیری به معنی عینیت و مبین کیفیت پژوهش است. مهم‌ترین روش برای ارتقای تأییدپذیری در پژوهش کیفی، چند جانبه‌نگری (برای داده‌ها، پژوهشگر و زمینه) است. بدین ترتیب در این پژوهش پژوهشگر تلاش کرده به صرف آنکه مسأله‌ای با سایر یافته‌های پژوهش همخوانی ندارد، از مجموعه یافته‌ها حذف نشود. برای حصول اطمینان از میزان اهمیت یا فقدان اهمیت مسائلی از این دست، پژوهشگر تلاش کرد در مصاحبه‌های بعدی از صحت و سقم آن مسئله اطمینان حاصل کند. علاوه بر این، ارزیابی نتایج پژوهش توسط دو نفر از خبرگان و چند جانبه‌گری در گردآوری داده‌ها (مصاحبه، اسناد و مدارک) نیز در ارتقای تأییدپذیری پژوهش اثرگذار بوده است. انتقال‌پذیری به معنی امکان تعمیم نتایج پژوهش و مبین روایی بیرونی پژوهش است (Yin, 2009; Corbin and Strauss, 2008). بنابراین تعمیم نتایج پژوهش می‌تواند به پژوهشگر در شناخت بهتر سایر زمینه‌ها کمک کند (Jonson and Christensen, 2012). همانگونه که پیش‌تر نیز بدان اشاره شد، هدف این پژوهش شناسایی و تبیین گفتمان‌های ناظر بر اغتشاشات پاییز ۱۴۰۱ در جمهوری اسلامی ایران از منظر اندیشمندان انقلاب اسلامی است. لذا همانند عمده پژوهش‌های کیفی، هدف ارائه تبیینی مقبول، منطقی و مجاب‌کننده است.

۳- یافته‌ها

کدگذاری و تحلیل مصاحبه‌های انجام شده با خبرگان، مبین وجود چهار گفتمان اصلی در تحلیل اغتشاشات ۱۴۰۱ است. این گفتمان‌ها نسبت به یکدیگر، رابطه جایگزینی ندارند؛ بلکه در رابطه مکملی هستند. بدین معنی که در تحلیل کلی اغتشاشات ۱۴۰۱، بهره‌گیری از هر چهار گفتمان با یکدیگر، تصویر درست‌تری به مخاطب می‌دهد؛ نه صرفاً به‌کارگیری یک گفتمان به تنهایی. در ادامه به شرح هر گفتمان پرداخته می‌شود:

الف. گفتمان سیاسی - امنیتی

«گفتمان سیاسی - امنیتی» حول دال مرکزی «مواجهه تمدنی اسلام و غرب» و مفاهیم هم‌تراز با آن شکل می‌گیرد. برخی متون مصاحبه‌ها در این باره بدین شرح است:

«تقابل انقلاب اسلامی با جبهه کفر و استکبار تقابلی نبود که فقط به دلیل موضوعی مثل نفت شکل گرفته باشد و اینکه جبهه کفر در بحث نفت منفعت داشته و حالا قطع شده باشد. اصلاً اینگونه نیست. انقلاب اسلامی یک هویت و ماهیت معنوی و فکری دارد که اتفاقاً اندیشمندان غربی از این منظر بیشتر از جنبه‌های مادی و بحث‌های دیگر اظهار خوف می‌کنند. در نتیجه انقلابی شکل می‌گیرد که تمام تمدن غرب را از لحاظ فکری به چالش می‌کشد».

در همین باره مصاحبه‌شونده دیگری چنین می‌گوید:

«از روز اول دو تفکر همواره در برابر هم قرار داشتند. یکی تفکر الهی که انبیای الهی و ائمه اطهار مطرح کردند و مبتنی بر اصالت الله، خدامحوری، حاکمیت قوانی الهی، اصالت عقل و اخلاق معنوی است و دیگری تفکر مادی که سردم‌دارش لیبرال دموکراسی غرب است و بر انسان‌گرایی و انسان‌محوری و اصالت انسان و حاکمیت قوانین دست‌ساخته بشری، اصالت عقل در مقابل اصالت وحی و واقع‌بینی و واقع‌گرایی انسان استوار است».

مصاحبه‌شونده دیگری در جای دیگری می‌گوید:

«گاهی اوقات تصور ما این است که تحولات در حال وقوع فقط در این مقطع زمانی اتفاق افتاده است و هیچ ارتباطی با گذشته و تاریخ ندارد؛ بنابراین با این نگاه، وقتی تحول جدیدی رخ می‌دهد، تحلیل دقیقی از مسائل نداریم و نمی‌توانیم مواجهه درستی با آن داشته باشیم. مرحوم علامه مصباح، علامه بصیر انقلاب می‌فرمایند: «تقابل بین جبهه حق و باطل، تقابلی نبود که امروزه به وجود آمده باشد و بر اساس آن بخواهیم ببینیم که حالا چگونه باید در مقابل جبهه باطل بایستیم». این تقابل همیشگی بوده و در طول تاریخ جبهه حق و باطل مقابل یکدیگر صف‌آرایی کرده‌اند و هرکدام از این دو جبهه که توانسته‌اند استواری و استقامت به خرج دهند، برتری پیدا کرده‌اند. بنابراین نمی‌توان گفت این رخدادها که در جامعه روی می‌دهد، بحث جدیدی است. اگر این‌گونه به تحولات نگاه کنیم، جبهه حق هیچ‌گاه خودش را نمی‌بازد، حتی اگر به صورت مقطعی جبهه باطل غلبه یابد. به همین خاطر اگر این نگاه بر ما حاکم باشد، تلاش می‌کنیم جبهه حق را قوی‌تر کنیم».

نخستین لحظه در گفتمان سیاسی - امنیتی، «مقابله با هویت انقلابی و قدرت ملی» است. یکی

از مصاحبه‌شوندگان در این باره چنین می‌گوید:

«دشمن برای اینکه به هدفش برسد، تمام تلاشش این است که به هر شکلی شده است این هویت [انقلابی] را از بین ببرد».

مصاحبه‌شونده دیگری در این باره می‌گوید:

«دیگر رکن قدرت ملی ما که غربی‌ها به شدت برای تضعیف آن اصرار دارند، برنامه هسته‌ای ایران است. اساساً نگرانی اصلی غرب ساخته شدن سلاح هسته‌ای ایران نیست! بلکه برنامه هسته‌ای در ایران یک عامل تغییردهنده بازی ژئوپلیتیکی است. یعنی می‌تواند معادله قدرت در منطقه را به شکل پایدار [به حالت] ضد امریکا تغییر دهد».

لحظه دوم، «مقابله با رهبری» به عنوان رکن اساسی انقلاب اسلامی است:

«غرب، رهبری را رکن اصلی قدرت ملی ایران می‌داند و تضعیف ایشان را به معنای ضربه زدن به کانونی‌ترین عامل تولید قدرت در ایران تلقی می‌کند. مهم‌ترین راه نیز از دید غربی‌ها، مهندسی پدیده‌های اجتماعی به گونه‌ای است که به سمت وضعیت دوقطبی و ایجاد تقابل با رهبری حرکت کند. در این آشوب‌ها هم تمامی امکانات خود را در راستای تضعیف این نقطه کانونی به کار گرفتند».

لحظه سوم در این گفتمان، «جنگ ترکیبی» است. یکی از مصاحبه‌شوندگان در این باره چنین می‌گوید:

«در همین اغتشاشات اخیر، یکی از چیزهایی که باعث تداوم بیشتر آن شد، این بود که دشمن چند سناریو را از قبل آماده داشت. این گونه نبود که برای اغتشاشات یک سناریو تعریف کرده باشد».

مصاحبه‌شونده دیگری در همین باره می‌گوید:

«اینکه آقا می‌فرماید به دشمن باید آفرین گفت، برای این است که دشمن در صحنه رزم اتفاقات اخیر نیروهایش را خوب چیده و آرایش داده بود و به خوبی معین کرده بود که کجاها را چه زمانی بزند و اینکه از یک حادثه کوچک چگونه بهره‌برداری کند».

لحظه چهارم، «جریان نفوذ» است:

«یکی از بحث‌های جدی که زمینه‌ساز این فضا شد، جریان نفوذ است. جریان نفوذ به زیبایی (!)

وارد فضا و سیستم حاکمیتی، مدیریتی و علمی و دانشگاهی می‌شود و تأثیرات خودش را دارد».

پنجمین لحظه در این گفتمان، «القای ناکارآمدی حکومت دینی» است. در این باره یکی از

خبرگان چنین می‌گوید:

«دشمن دو چیز را هدفمند دنبال کرد که یکی از آن‌ها این بود که نشان دهد مشکل از حکومت دینی است و ما باید دین را از علم جدا انگاریم. اخیراً نیز در محیط‌های دانشگاهی و فضای روشنفکری غربی در کلاس‌های درسی، بسیاری از دانشجویان این را مطرح می‌کنند که شما ۴۰ سال بر اساس حکومت دینی کشور را اداره کردید؛ نتیجه هم نگرفتید! اکنون حداقل اجازه دهید یک دهه بر اساس مسائل علمی کشور اداره شود».

لحظه ششم در این گفتمان، «رویکرد تمدنی به انقلاب» است. در این باره یکی از مصاحبه‌شوندگان به تفصیل سخن می‌گوید:

«زمانی که در انقلاب عقب‌نشینی شد؛ یعنی دوگانگی نظام و انقلاب به وجود آمد (نظام، آن‌هایی بودند که می‌خواستند وضع موجود را حفظ کنند و انقلاب، آن بود که امام رحمت الله علیه می‌خواست پیش برود و مقام معظم رهبری حفظه الله تعالی دارد ادامه می‌دهد). این دوگانگی است که خیلی جاها حضرت آقا در صحبت‌هایشان می‌فرمایند: «من این را بارها گفته‌ام؛ اما کسی عمل نکرده یا حرف مرا گوش نداده است». آقای [...] به آقایانی که با او کار می‌کردند می‌گفت: «هر زمان رفتید خدمت امام فقط بگویید چشم، بعد بباید هر کاری خواستید انجام دهید». در نتیجه موجب دوگانگی بین انقلاب و نظام شد. به قول آقای رحیم پور ازغدی ۴۰ سال است مسؤولان این نظام می‌خواهند انقلاب را واژگون کنند؛ اما مردم نمی‌گذارند! در چنین دوگانگی و دوقطبی که به وجود آمده است، مسئله مهسا امینی و جریان‌ات مشابه آن طبیعی است. دوگانگی بین انقلاب و نظام، علتش چیست؟ علت این است که آن‌ها تعریفی که از انقلاب کردند چنین است که یک رژیم می‌رود و رژیم دیگر می‌آید. یعنی اکنون شاه رفته و آقای خاتمی، هاشمی رفسنجانی، احمدی نژاد آمده‌اند تا حکومت کنند. اما حضرت امام رحمت الله علیه فرمودند ما می‌خواهیم مقدمات ظهور آقا امام عصر عجل الله تعالی فرجه را فراهم کنیم. ما می‌خواهیم انقلاب‌مان را به جهان صادر کنیم. ما می‌خواهیم پوزة قدرت‌های شرق و غرب را به خاک بمالیم».

هفتمین لحظه در این گفتمان عبارت است از «ضعف جهاد تبیین». یکی از خبرگان در این باره چنین بیان می‌کند:

«چون کارهای تبیینی داخلی و خارجی مناسب در حدی که باید انجام نشد، دشمن از همین زاویه به عنوان یکی از بهانه‌ها استفاده کرد».

یکی از اساتید دیگر در این باره می‌گوید:

«ما نتوانستیم اطلاعات را در این زمینه به خوبی انتقال دهیم؛ در حالی که ما جلوه‌های بیرونی نماد یک زن انقلابی مسلمان را در سراسر این کشور پهناور به وفور داریم. این بدان معناست که اطلاعات کافی چه از ناحیه خانواده و چه از ناحیه مکان‌های آموزشی به آن نسل داده نشده است. ما باید تلاش کنیم در کلاس‌ها یا هر شرایط دیگر با ارائه اخبار و اطلاعات درست، میزان سطح آگاهی و شعور سیاسی این افراد را بالا ببریم تا بتوانند خوب و بد را از هم تمییز دهند و به نوعی ضعف تبلیغاتی خود را پوشش دهیم».

لحظه هشتم، «برتری جبهه حق» است:

«یکی از امیدبخش‌ترین آیات، آیه معیت الهی است: «إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا»؛ خدا با ما است. مسئله خیلی مهمی است اینکه انسان احساس کند خدا با اوست. خدا در کنار اوست. خدا پشت سر اوست. خدا مراقب اوست. این خیلی چیز مهمی است. چون خدا مرکز قدرت و مرکز عزت است. وقتی خدا با یک جبهه‌ای باشد، این جبهه قطعاً و بلاشک پیروز است. اتفاقاً حضرت آقا در همین فضا دیداری داشتند با گروهی که در برنامه اتمی کار می‌کنند، مبنی بر اینکه تحریم‌ها کار را قفل کرده بود و کار را بر عهده خود ایرانی‌ها گذاشته بودند. اگر درست بگویم سال ۱۳۸۱ بود که می‌گویند ما رفتیم دیدار کردیم. اتفاقاً مقام معظم رهبری همین آیه «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا...» (قران، الطلاق: ۲) را بیان کردند. می‌گفتند ما برگشتیم اصلاً یک نیروی دیگر گرفته بودیم. سال بعد بازرس‌های انرژی اتمی دیده و گفته بودند این کاری که شما کردید اصلاً باورکردنی نیست».

لحظه نهم در این گفتمان، «تفرقه در اپوزیسیون» است:

«آنچه اتفاق افتاد و به نفع نظام هم بود، این است که این فرایند نتوانست به ظهور یک اپوزیسیون واقعی برای نظام بینجامد. یعنی آن تجمعی که در آلمان رقم خورد، یک دفعه ۱۷ پرچم بلند شد. در نتیجه این امر نشان می‌دهد که [اختلاف و تفرقه در بین مخالفان جمهوری اسلامی زیاد است و] در جمع اپوزیسیون حداقل ۱۷ متقاضی حکمرانی وجود دارد».

دهمین لحظه در این گفتمان، «شناسایی جریان نفاق» است:

«در فتنه‌ها یکی از اتفاقاتی که می‌افتد این است که جریان نفاق و جریان فتنه مجبور می‌گردد رودررو و آشکار وسط میدان بیاید و به همین دلیل شناخته می‌شود. تا مدت‌ها جریان‌های سلطنت طلب داعیه ایران را داشتند و پشت این ادعا با نظام اسلامی می‌جنگیدند؛ اما وجود حوادث و فتنه‌گری‌های متعدد باعث شد تا چهره واقعی و هم‌دستی آن‌ها با دشمنان و دشمنی‌شان با ایران و

ایرانی برای همگان آشکار گردد».

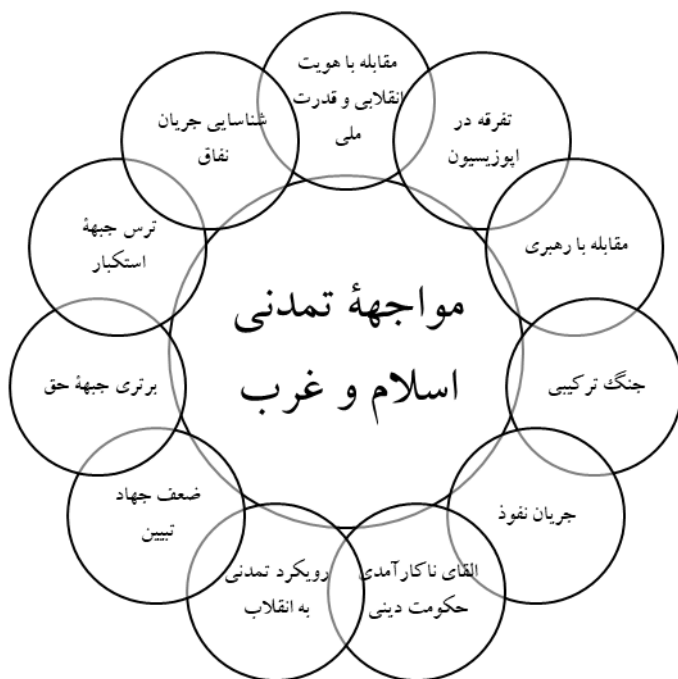
مصاحبه‌شونده دیگری در همین باره می‌گوید:

«حرکتی خوبی که در این اتفاقات و همچنین در سال ۱۳۸۸ خوب رقم خورد، این بود که چهره بخشی از بدنه جامعه که با ادبیات قرآنی، منافق نام دارند، عیان شد».

لحظه یازدهم در این گفتمان، «ترس جبهه استکبار» است:

«حضرت امام رحمت الله علیه فرمودند که انقلاب وقتی پیروز شد همه چیز عوض شد. یعنی سلطه‌گران سر جایشان ماندند و در مقابلش به جای سلطه‌پذیران، جبهه سلطه‌ستیزان ایجاد شد. این دلیل آن چیزی است که باعث ترس جبهه استکبار از انقلاب شده و به همین دلیل آن‌ها را واداشته است که به هر قیمتی که شده این انقلاب را از سر راه بردارند».

بر این اساس مفصل‌بندی گفتمان سیاسی - امنیتی در شکل ۱ قابل ملاحظه است.



شکل ۱- مفصل‌بندی گفتمان سیاسی - امنیتی در تحلیل اغتشاشات پاییز ۱۴۰۱ (محقق ساخته)

ب. گفتمان نظام حکمرانی

«گفتمان نظام حکمرانی» حول دال مرکزی «کژکارکردهای حکمرانی» شکل می‌گیرد. در این

باره یکی از اندیشمندان مصاحبه‌شونده چنین می‌گوید:

«اگر ما مسائل، اتفاقات و اغتشاشات را در مسئله حکمرانی ببینیم، وقتی شما چتر حکمرانی را بر سر این کشور کشیدید، آنجا عیار شما مشخص می‌شود و در اصطلاح، کوتاهی شما هم مشخص می‌شود. یعنی عیار مسئولان مشخص می‌شود».

نخستین لحظه در گفتمان کژکارکردهای حکمرانی، «ضعف فضای رسانه‌ای» است. مصاحبه‌شونده‌ای در این باره می‌گوید:

«از دیگر عوامل، رسانه و فضای رسانه‌ای است که در وقایع اخیر خیلی پررنگ در خدمت جنگ شناختی درآمد. رسانه ظرفیت بسیار خوبی را فراهم می‌کند تا دشمن بتواند با استفاده از آن، چیزی که می‌خواهد را به راحتی به مخاطب القا کند. مثلاً در مواجهه با یک دانشجوی یک دفعه می‌بینید شروع می‌کند به تعریف کردن از رضاخان و هیچ اطلاعات علمی ندارد. بلکه فقط چند عنوانی که در فضای رسانه برجسته شده است و بر همین اساس دارد مطرح می‌کند».

یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان در این باره می‌گوید:

«متأسفانه رسانه‌های خودی موفق نشدند به شکل مطلوب و در موعد لازم روایت‌سازی کنند و روایت اول را به سمع و نظر مردم برسانند. پس از این بابت مردم و نظام ما دچار خسارتی جدی شد».

لحظه دوم در این گفتمان، «رهاشدگی حکمرانی فضای مجازی» است. در این باره یکی از مصاحبه‌شوندگان چنین می‌گوید:

«ما در همه عرصه‌های اداره کشور عبارت حکمرانی را داریم. حالا این حکمرانی در بعضی جاها قوام پیدا کرده است و فوق‌العاده‌های خاص خودش را دارد. در بخش‌های دیگری هم ممکن است نیازمند تقویت باشد. بنابراین قبول دارم که حکمرانی مجازی وجود دارد؛ اما به دلایلی که به آن‌ها پرداخته خواهد شد، دستگاه‌های دست‌اندرکار در حوزه فضای مجازی و شورای عالی آن می‌بایست راهبردی‌تر و عملیاتی‌تر مسئله را در نظر می‌گرفتند».

اندیشمند دیگری در این باره می‌گوید:

«چیزی که بعداً در پاسخ‌ها دستگیریم شد، این بود که اولاً دانشجوی ما عمده سؤالاتش تحت تأثیر شبهات در فضای مجازی شکل گرفته بود. یعنی دقیقاً همان شبهاتی است که امروز در اینستاگرام و شبکه‌هایی مثل بی‌بی‌سی و ایترنشنال دیده می‌شود. نکته دومی که دستگیریم شد این بود که مرجع فکری شبهات هم فضای مجازی و رسانه‌های بیگانه بود».

یکی از خبرگان دیگر در درباره ره‌اشدگی فضای مجازی می‌گوید:

«یکی هم ترک فعل‌های بسیار سنگین و ترمدهای عجبی غریب از نظر ولی فقیه است. ترک فعل‌هایی که خدای متعال معلوم نیست با تارکان آن چگونه حساب می‌کند. چپ یک جور، راست یک جور. مثلاً ترک فعل در ساماندهی فضای مجازی. هیچ کس نیست دوست و دشمن، روان-شناس و جامعه‌شناس اذعان به این نداشته باشد که فضای مجازی نقش درجه اولی هم در تباهی اخلاقی، هم در اغتشاشات، هم در ایجاد یأس و ناامیدی دارد. همه مطالعات نشان می‌دهد، عوام هم می‌دانند، خانواده‌ها هم می‌فهمند، حتی امام جامعه دارد می‌گوید که عمل کنید. بعد مسؤولان ما همین طور به تماشا نشسته‌اند.»

سومین لحظه در این گفتمان عبارت است از «چالش‌های اقتصادی دولت». یکی از اساتید در این باره می‌گوید:

«سال آخر دولت [قبل] بحث همسان‌سازی حقوق اعضای هیئت علمی را تصویب کردند. در صورتی که بار مالی اجرای مصوبه معادل افزایش تقریباً ۵۰ هزار میلیارد ود که به منابع مالی نیاز داشت. بدون مشخص کردن منابع مالی، آن هم با هدف ایجاد اختلال در روند اداره کشور [در دولت بعد، این مصوبه را تصویب کردند].»

مصاحبه‌شونده دیگری در این باره می‌گوید:

«تحلیل‌های مبتنی بر اینکه مسئله معیشت در این مدت اخیر ضعیف‌تر شد، حقوق ثابت‌بگیران، کارگران، کارمندان و بازنشستگان که قدرت خریدشان کم شد هم تا حدودی درست است.»

لحظه چهارم، «ساختارهای ناکارآمد» است. یکی از خبرگان در این باره می‌گوید:

«ببینید! دکتر احمدی‌نژاد در آغاز دولتش یک کار بزرگ کرد و آن شکستن این ساختارهای ناکارآمد بود. ساختارهای درهم‌تنیده‌ای که امکان انجام فعالیت صحیح را نمی‌دهد. یعنی یک انقلاب بزرگ اداری که البته نیمه تمام ماند. پس تا ساختارهای درهم‌تنیده را نتوانیم جمع کنیم، مشکلات وجود دارد.»

پنجمین لحظه در این گفتمان، «ضعف کارگزاری» است. مصاحبه‌شونده‌ای در این باره می‌گوید:

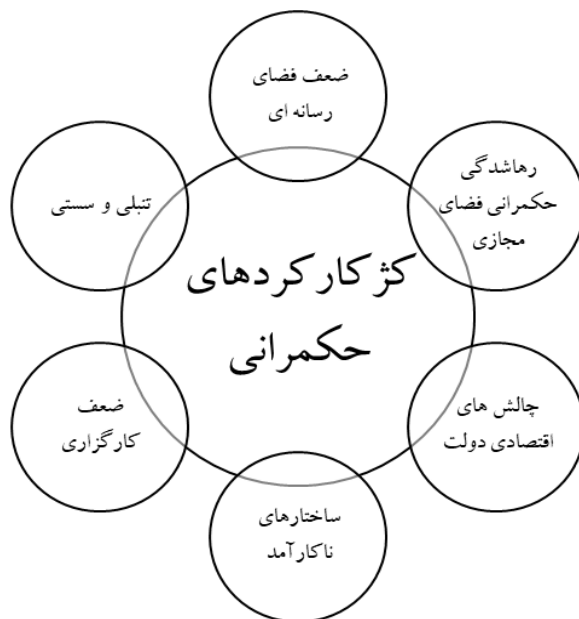
«حضرت آقا در بیانیه گام دوم فرمودند: کشور دو ضعف اساسی دارد و تا زمانی که این دو ضعف برطرف نشود به نتیجه مطلوب نمی‌رسیم. ما کشوری هستیم که از نظر داشتن منابع جغرافیایی و طبیعی در دنیا حرف اول را می‌زنیم و در استفاده نکردن از این‌ها هم رتبه اول هستیم.»

حال چرا؟ حضرت آقا فرمودند: به دو دلیل: یکی ضعف مدیریت و ...! حضرت اقا فرمودند: اگر شما بخواهید موفق شوید باید مدیران شما، متدین، جهادی، انقلابی و پاک‌دست باشند». یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان در همین باره چنین می‌گوید:

«یکی از چیزهایی که من خودم باورش دارم، تغییر نسل مدیریتی (پالایش کامل) است». مصاحبه‌شونده دیگری در این باره می‌گوید:

«[یکی از علل این ضعف‌ها] به همان کارگزارها (کارگزارهای میانی) بیشتر برمی‌گردد. در واقع کارگزارانی که جزء اصول اولیه انقلاب نیستند و وظیفه اجرای قوانین را بر عهده دارند». ششمین لحظه در این گفتمان، «تنبلی و سستی» است:

«قرار نیست که خدا به نفع فرد یا جبهه حق ورود پیدا کند و بگوید شما جبهه حق اگر تنبلی هم کردید و در خانه نشستید و استقامت هم نکردید، من جبهه باطل را از بین می‌برم». بر اساس آنچه بیان شد، مفصل‌بندی گفتمان نظام حکمرانی در شکل ۲ قابل ملاحظه است.



شکل ۲- مفصل‌بندی گفتمان نظام حکمرانی در تحلیل اغتشاشات پاییز ۱۴۰۱ (محقق‌ساخته)

ج. گفتمان تربیتی

سومین گفتمان در تحلیل اغتشاشات پاییز ۱۴۰۱، «گفتمان تربیتی» است که حول دال مرکزی

«ضعف رویکرد الهی در نظام تربیت رسمی و غیررسمی» شکل می‌گیرد. یکی از خبرگان در این باره چنین می‌گوید:

«نکته بعد اینکه در آموزش و پرورش هم مثل دانشگاه، روی هم رفته یک حکمرانی الهی و توحیدی وجود ندارد! یک مدیر مدرسه در یکی از استان‌ها، مسؤول جریان تبشیری بوده و حدود ۵۰۰ نفر از دانش‌آموزهایش را به مسیحیت سوق داده است. ببینید! یک معلم یا یک مدیر چه کار می‌کند». یکی دیگر از اندیشمندان در این باره می‌گوید:

«ما اگر با همین جوانان خودمان در آموزش و پرورش [و دانشگاه‌ها] درست حرف زده بودیم و حرف‌های مهم‌تر را می‌زدیم، این مقدار عوارض منفی نمی‌دیدیم».

نخستین لحظه در این گفتمان، «غفلت از آموزش و پرورش» است:

«ما کلاً آموزش و پرورش را رها کرده‌ایم. سه دهه است که آموزش‌های ضمن خدمت معلم‌ها و مبانی معرفتی را تعطیل کرده‌ایم. اینکه بگویید در آموزش و پرورش و دانشگاه، کم‌کاری شده است، بله همین طور است».

مصاحبه‌شونده دیگری در همین باره چنین می‌گوید:

«مدرسه‌ها هم کوتاهی کردند. مدرسه‌ها واقعاً وظیفه‌شان را آن گونه که سزاوار است، درست انجام ندادند. البته در اینجا باید منصف بود. مدرسه ما معلم‌هایش، مدیرهایش و ناظم‌هایش از همین مردم هستند. طبیعتاً نه ساختارهایش کاملاً تحول انقلابی پیدا کرده، نه آدم‌هایش کاملاً ذهنیت انقلابی پیدا کردند و همه وظایف لازمه را در مورد انقلاب و اسلام انجام ندادند. چون نه یاد گرفتند، نه پایه‌ها را ما تغییر دادیم».

اندیشمند دیگری درباره همین لحظه چنین می‌گوید:

«زمانی که ریشه‌یابی می‌کنیم، متوجه می‌شویم که این معلم یا مسؤول، خود اعتقادی به انقلاب و نظام و اسلام ندارد».

لحظه دوم در این گفتمان، «رهاشدگی دانشگاه‌ها» است. یکی از اندیشمندان در این باره می‌گوید:

«به لحاظ سیاست‌گذاری، قطعاً ما در امر تربیت و آموزش خلأ زیادی داریم. این خلأها هم در حوزه ساختاری و هم در حوزه کارگزاری وجود دارد. در واقع کارگزار دانشگاهی ما به این سمت رفته است؛ استادی که ما هزینه تحصیلش را دادیم، پول و امکانات در اختیارش گذاشتیم تا نیرو تربیت کند، من می‌گویم نمی‌خواهیم این گونه استادان نیروی انقلابی تربیت کنند؛ اینها اگر

نیروی علمی هم تربیت کنند ما راضی هستیم. اینها دغدغه تربیت نیروی علمی را هم ندارند».

یکی دیگر از اندیشمندان در این باره چنین می‌گوید:

«در همین رابطه [اغتشاشات پاییز ۱۴۰۱] طیفی از استادان هم به شکل کم‌سابقه‌ای فعال شده بودند و به هدایت دانشجویان در جهت تشدید اعتراضات پرداختند. نهایتاً ناتوانی دولت‌ها از اعمال مدیریت مؤثر و اقناعی به دانشگاه‌ها، وضعیت را در محیط‌های دانشگاهی به سمتی برد که پدیده‌های امنیتی در آن امکان بروز و ظهور پیدا کرده است».

صاحب‌نظر دیگری در این باره می‌گوید:

«ما می‌گوییم هر بحران امنیتی که در جامعه اتفاق می‌افتد قبلش حتماً علائم و آثاری دارد. شما بسترهای اغتشاشات اخیر را ببینید، با بسترهای قبلی کار نداریم؛ این اغتشاشات اخیر از یک سال قبل شروع شد. اولین بحرانی که در کشور ما اتفاق افتاد، کشف حجاب دختران در میدان انقلاب بود. بعد از آن موضوع ازدواج سفید که متأسفانه یکی از اساتید حقوق دانشگاه تهران آن را در جامعه مطرح کرد».

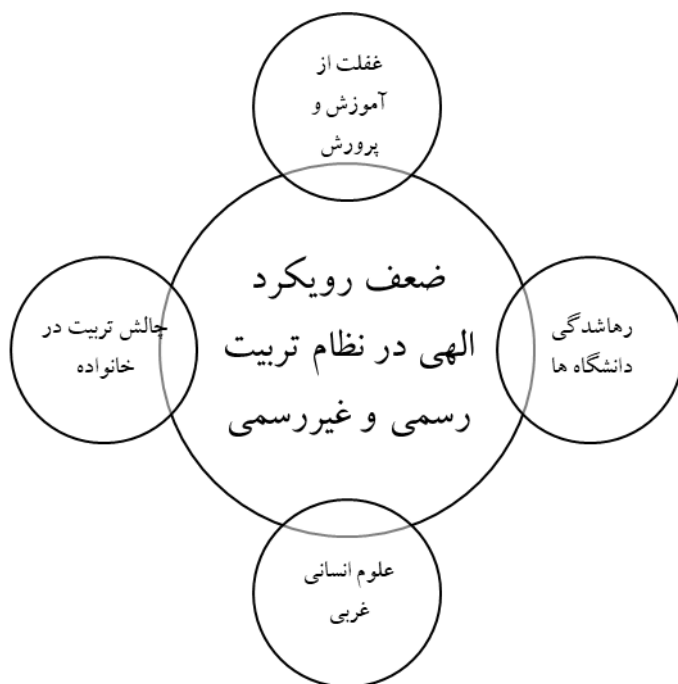
لحظه سوم در این گفتمان عبارت است از «علوم انسانی غربی». درباره علوم انسانی غربی یکی از مصاحبه‌شوندگان چنین می‌گوید:

«به لحاظ سیستم فکری و علمی عرض می‌کنم که وقتی دانشجویان خصوصاً در حوزه علوم انسانی، بر سر سفره ان علمی بنشینند که پایه‌های فکری‌اش و نوع تفکری که به وجود می‌آورد بر اساس مبانی لیبرالیسم باشد، انتظار نباید داشته باشید آن که دست‌پرورده این سیستم فکری است، بیاید آن گونه که شما به دین و سیاست اعتقاد دارید، همراهی‌تان کند. اگر می‌خواهیم این اتفاق در جامعه دانشگاهی و علمی ما هم بیفتد، باید علوم انسانی ما بر اساس مبانی و تفکرات اسلامی شکل بگیرد تا بتواند به ظهور تمدن اسلامی منتهی گردد».

چهارمین لحظه در این گفتمان، «چالش تربیت در خانواده» است.

«به نظر بنده نقش خانواده خیلی مهم است. درست است که ما می‌گوییم فضای مجازی، رسانه، مدرسه؛ اما خانواده در درجه اول است. اگر خانواده‌های ما وظایف‌شان را به درستی انجام می‌دادند خیلی از این مسائل به وجود نمی‌آمد. این راهم باید ما مطالعه کنیم. زیرا یکی از اضلاع مختلفش نقش خانواده است. مطالعات متوسطی که ادم‌های باهوش ما انجام دادند و دقت‌ها نشان می‌دهد خیلی از این خلقیاتی که در اغتشاشات نمایش داده شد، دقیقاً ناشی از تربیت خانوادگی

است. خود خانواده‌ها در مدیریت خانه‌شان اشتباهات بزرگی کردند. مثلاً خیلی‌ها، قبلاً بیشتر و الان کمتر و هوشیارتر شدند، برای بچه پنج شش ساله‌شان گوشی هوشمند می‌خریدند. خیلی از متفکران و صاحب‌نظران می‌گفتند این کار را نکنید. شما با این کارتان بچه را به قربانگاه می‌برید. اما اکثریت مطلق والدین تمرد کردند و فهم دیگران را نادرست می‌دانستند». بنابراین مفصل‌بندی گفتمان تربیتی در شکل ۳ قابل ملاحظه است.



شکل ۳- مفصل‌بندی گفتمان تربیتی در تحلیل اغتشاشات پاییز ۱۴۰۱ (محقق ساخته)

د. گفتمان اجتماعی

«گفتمان اجتماعی» حول دال مرکزی «شیوع سبک زندگی غربی» شکل گرفته است. در این باره یکی از صاحب‌نظران چنین می‌گوید:

«خود رهبر انقلاب فرمودند: مگس می‌آید روی زخم می‌نشیند. این زخم را چه کسی ایجاد کرد؟ بالاخره ما خودمان خطا زیاد کردیم و مفصل می‌شود در مورد این حرف زد. پروژه اصلی دشمن در اندلس‌سازی است. امام جمعه [شیراز]، حاج آقا دژکام، اشاره درستی کردند؛ دشمن سرمایه‌گذاری سنگینی کرده که جامعه را فاسد کند. هم فضای مجازی، هم مسائل جنسی و هم شراب و انواع برنامه‌ها

را ریخته و با قدرت تمام هم دارد کار می‌کند. این واقعیتی است که غیرقابل انکار است».

اندیشمند دیگری در این باره چنین می‌گوید:

«اینکه بگویید در آموزش و پرورش و دانشگاه کم‌کاری شده است، بله همین طور است؛ ولی ریشه در خانواده و سبک زندگی دارد. به عبارتی پدر و مادرها یک سبک زندگی [غربی] را انتخاب کردند».

نخستین لحظه در این گفتمان، «غرب‌گرایی» است. یکی از اندیشمندان در این باره چنین می‌گوید:

«بعضی چیزها از قدیم نماد جریان روشنفکری بوده. درست مثل همین کافه که یکی از عناصر روشنفکری نهیلیست و دین‌ستیز است. اگر دقت کنید کافه‌ها به شدت رو به زیاد شدن هستند. مکانی که فضای رابطه‌های عاشقانه و ... با موسیقی‌های خاص در تغییر ذهنیت و روحیه نقش مهم دارد. یکی از نقش‌ها چینش کتاب‌هایی است که عمداً آنجا می‌برند. من به برخی از کافه‌ها رفته‌ام. در آن کتاب‌هایی وجود دارد که کافی است جوان‌ها فقط قیافه‌اش را ببینند. دیگر چه برسد بخواهند بروند آن را بخوانند. بسیاری از این رمان‌های لجن و مبتذل که می‌دانم اگر یک نوجوان آن را بخواند چه بلایی سرش می‌آید. آرایشگاه‌ها هم از جهت‌های دیگر! آرایشگاه‌ها نماد روشنفکری نیست، بلکه محل ترویج سبک زندگی اشرافی و تجملی است. در مواردی با تأسف دلالی فحشا و اعتیاد در برخی آرایشگاه‌ها بسیار جدی است. جامعه‌شناختی عجیبی می‌کنند. روی خانواده‌ها فکر می‌کنند. خانم می‌رود مدت خیلی زیادی آنجا می‌نشیند و دو سه ساعت گوشش در اختیار آرایشگر است. یعنی یک آموزش کامل و مستقیم یا از خود آرایشگر یا کسی که آنجا نشسته است، می‌بینی. آنها آموزش دیده و کاشته شده می‌آیند، گپ می‌زنند. بعد هم ببخشید واسطه‌گری فحشا، مواد مخدر و مسائل سیاسی می‌کنند. درست مثل یک مدرسه کامل».

لحظه دوم در این گفتمان «ضعف هویتی» است. در این باره یکی از مصاحبه‌شوندگان می‌گوید:

«امروز جامعه ما متشکل از هویت‌های گوناگون است. شما قبلاً هویت قومی و مذهبی داشتید یا هویت طایفه‌ای؛ اما امروز نه تنها من که نسبت به یک اتفاق در درون جامعه معترض هستم، بلکه ده نفر دیگر هم با خود همسو می‌کنم و یک هویت اعتراضی جدید را شکل می‌دهم. چیزی که در قصه بانوان ما رقم خورد و متأسفانه کوتاهی‌هایی هم از سمت همه ما در این باره صورت گرفت. اول از همه مطالبه و اعتراض هویتی است. در اعتراض هویتی باید خواسته هویتی شخص را حل کنید و پاسخ بدهید».

مصاحبه‌شونده دیگری در همین باره می‌گوید:

«ما در بدنه جامعه معترض، نه جامعه ایرانی!، با کاهش عیار ارزش‌های اخلاقی مواجه هستیم. یعنی ارزش‌های اخلاقی، ارزش‌های انسانی، ارزش‌های توحیدی کم‌رنگ شده است. من این طور خدمت شما بگویم که شما چیزی تحت عنوان هویت ملی و هویت دینی در بخش قابل توجهی از آن‌هایی که به کف خیابان می‌آمدند، مشاهده نمی‌کنید. اصلاً هویت معنایی ندارد. ایران؟ ایران یعنی چه؟ اسلام؟ اسلام چیست؟ یعنی به تعبیر دیگر از ایرانی بودن خودش عبور کرده و از مسلمان بودن خودش هم عبور کرده است».

سومین لحظه در این گفتمان، «زیست مجازی» است. یکی از خبرگان در این باره می‌گوید:

«زیست مجازی جوان‌ها و نوجوان‌هایمان است که مدل رفتارهایشان، کنش‌هایشان، واکنش‌هایشان، سکوتشان، فریادشان، در خیابان آمدن‌هایشان، همه بر اساس مدل‌هایی است که در فضای مجازی انجام دادند».

اندیشمند دیگری در این باره می‌گوید:

«به عقیده برخی افراد امروزه فضای مجازی، فضای حقیقی است و آنچه دیده می‌شود اتفاقاً فضای مجازی است. چون همه با این فضا انس گرفته‌اند و عموم ملت در فضای مجازی هستند. پس حقیقت زندگی‌شان با مجازی شکل می‌گیرد و گویی جابه‌جایی و وارونگی معنایی بین این دو واژه صورت گرفته است».

لحظه چهارم در این گفتمان عبارت است از «حس بی‌آیندگی». در این باره یکی از مصاحبه‌شوندگان چنین می‌گوید:

«دانشجویانی که هیچ چیزی برای از دست دادن ندارند و از نظر اقتصاد به اصطلاح در ناامیدی محض قرار دارند؛ چون می‌گویند بیا ازدواج کن، می‌گوید پول ندارم، کار ندارم. در نتیجه در یک شرایط سنی خاصی قرار گرفته‌اند و همانند انبار باروت آماده اشتعال‌اند. پس طبیعی است وقتی ما از این طرف اعتمادش را نتوانستیم جلب کنیم ممکن است دچار آسیب شویم و این خیلی مهم است».

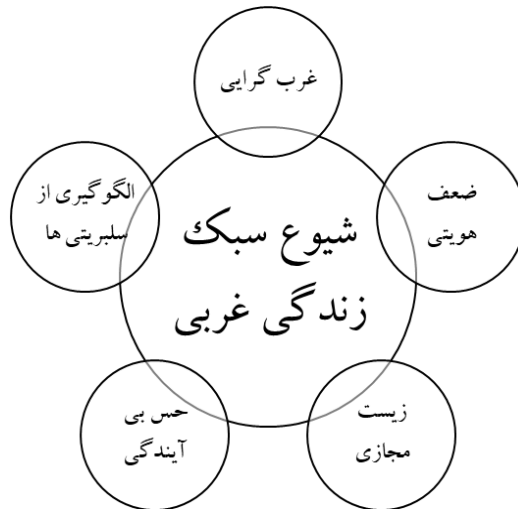
مصاحبه‌شونده دیگری در این باره می‌گوید:

«نخستین موضوعی که باعث می‌شود نسل نوحاسته دست به آشوب بزند، حس بی‌آیندگی در آن‌ها است که عمدتاً ناشی از زیست مجازی آن‌ها است».

پنجمین لحظه در این گفتمان، «الگوگیری از سلبریتی‌ها» است. مصاحبه‌شونده‌ای در این باره

چنین می‌گوید:

«در حوزه جنگ نرم هم دشمن از این ابزار خیلی خوب استفاده می‌کند. دشمن در حوزه جنگ نرم همه را به صحنه آورد. ورزشکاران، بازیگران، هنرمندان، می‌سیقی‌دانان و ...؛ یعنی از همه ابزارها استفاده کرد و در هر مقطعی با برنامه‌ریزی کار را پیش برد». بنابراین مفصل‌بندی گفتمان اجتماعی در شکل ۴ قابل ملاحظه است.



شکل ۴- مفصل‌بندی گفتمان اجتماعی در تحلیل اغتشاشات پاییز ۱۴۰۱ (محقق ساخته)

نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش، شناسایی و تبیین گفتمان‌های تحلیلی پیرامون اغتشاشات پاییز ۱۴۰۱ از منظر اندیشمندان انقلاب اسلامی بوده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد در این باره دست‌کم چهار گفتمان مکمل وجود دارد:

الف. گفتمان سیاسی- امنیتی حول دال مرکزی مواجهه تمدنی اسلام و غرب که شامل یازده لحظه است: ۱- مقابله با هویت انقلابی و قدرت ملی؛ ۲- مقابله با رهبری؛ ۳- جنگ ترکیبی؛ ۴- جریان نفوذ؛ ۵- القای ناکارآمدی حکومت دینی؛ ۶- رویکرد تمدنی به انقلاب؛ ۷- ضعف جهاد تبیین؛ ۸- برتری جبهه حق؛ ۹- ترس جبهه استکبار؛ ۱۰- تفرقه در اپوزیسیون؛ ۱۱- شناسایی جریان نفاق. در گفتمان سیاسی- امنیتی، مواجهه و تقابل تمدنی بین انقلاب اسلامی به رهبری امامین انقلاب و جبهه غرب به رهبری امریکا، مهم‌ترین دلالت گفتمانی را دارد و محور اصلی

سایر مقوله‌ها به شمار می‌رود. بیش از چند سده است که تمدن غرب، به تدریج خود را به صورت یک تمدن جهانی و همه‌گیر تبدیل کرده است و فرهنگ همه انسان‌ها در شرق و غرب عالم را به سوی یکسان‌سازی می‌برد. انقلاب اسلامی، نویدگر امکان خروج از سلطه فرهنگی و تمدنی غرب بود و طلیعه ظهور تمدنی نوین و گشودگی تاریخی دیگری را نشان داد. خروج از وضعیت کنونی و حرکت به سمت تمدن نوین اسلامی، نیازمند تقابل و مواجهه با تمدن غرب است. بدین ترتیب بزرگ‌ترین و جدی‌ترین چالش امروز انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی و در سطح کلان، جهان اسلامی، چگونگی مواجهه با تمدن غرب و سیطره فرهنگی آن است (متولی امامی، ۱۳۹۸). بدین ترتیب عامل خارجی، در جهت ایفای نقش تمدنی خود، به عنوان یک عامل جدی در شکل‌گیری اغتشاشات پاییز ۱۴۰۱ نقشی بسیار مهم داشته است. مفخمی شهرستانی و احتشامی (۱۴۰۱) نیز در پژوهش خود در تحلیل اغتشاشات پاییز ۱۴۰۱ به سه مقوله ارتباط با خارج از کشور، نقش اتباع بیگانه و فعالیت بلندمدت و شبکه‌سازی دشمنان و ضدانقلاب ذیل عامل اصلی مداخله خارجی اشاره می‌کند. به عنوان مثل فراوانی ارتباط با خارج از کشور از طریق بستگان، دوستان، همکاران و سفرهای خارجی؛ ایفای نقش شهروند خبرنگاری برای شبکه‌های ماهواره‌ای بیگانه و ضدانقلاب و ارسال تصاویر اقدامات خود به منظور انتفاع مالی، خوش خدمتی و طمع پناهندگی، تابعیت و اقامت؛ هدایت اغتشاشگران توسط ادمین‌های مستقر در کشورهای ترکیه و کردستان عراق؛ حضور سرکردگان وابسته به کردستان عراق؛ حضور اباغ غیرایرانی یا اتباع دارای تابعیت مضاعف در اغتشاشات؛ طراحی و پیاده‌سازی پروژه‌های نفوذ و شبکه‌سازی گسترده غیررسمی و هدفمند در راستای راهبرد تغییر رفتار و فروپاشی از درون مانند پروژه رهبران جوان جهانی، سپاه اطلس، زیست‌بوم استارت‌آپی از جمله مفاهیمی است که در پژوهش مفخمی شهرستانی و احتشامی (۱۴۰۱) احصا شده است. عرفان منش (۱۴۰۲) نیز در بررسی فتنه ۱۴۰۱ بر این باور است نوعی ائتلاف میان مخالفان و معاندان نظام جمهوری اسلامی ایران شکل گرفت که در آن، هم‌زمان عناصری از گروهک‌های تروریستی، منافقین، تجزیه‌طلب، سلطنت‌طلب، داعش و فریب‌خوردگان فتنه ۸۸ حضور داشتند. یکی از شگردهای دشمنان نظام، به ویژه از فتنه ۸۸ نفوذ بوده است. نفوذ در قالب‌های مختلف انجام شده است. به عنوان مثال می‌توان نفوذ جریان‌های مخالف و معاند به سازمان‌ها و نهادهای کشور در سطوح مختلف مانند مراکز آموزشی، نظامی، صنعتی، اقتصادی و سیاسی اشاره کرد. بخشی از نفوذ نیز در قالب سوءاستفاده از اعتراض‌ها و تجمع‌ها مانند نفوذ در میان معترضان

کشت و صنعت، معلمان، مال‌باختگان مؤسسه‌های مالی و پویش‌های زیست محیطی رخ داده است. در جنگ ترکیبی نیز ابزارهای نرم مانند شایعه‌پراکنی، القانات رسانه‌ای، سیاه‌نمایی و تحریف وقایع در کنار ابزارهای سخت مانند تحرکات و آشوب‌های مسلحانه قرار می‌گیرند. به عنوان مثال مطرح کردن شایعه کسالت رهبر معظم انقلاب و مسئله جانشین رهبری دقیقاً پیش از وقوع فتنه توسط برخی عوامل داخلی و خارجی یکی از اقدامات نرم بود.

ب. گفتمان نظام حکمرانی حول دال مرکزی کژکارکردهای حکمرانی که شامل شش لحظه است: ۱- ضعف فضای رسانه؛ ۲- رهاشدگی حکمرانی فضای مجازی؛ ۳- چالش‌های اقتصادی دولت؛ ۴- ساختارهای ناکارآمد؛ ۵- ضعف کارگزاری؛ ۶- تنبلی و سستی. در پژوهش مفخمی شهرستانی و افخمی (۱۴۰۱) نیز در تحلیل اغتشاشات پاییز ۱۴۰۱، دو مقوله اعتراض به نابسامانی‌های معیشتی و اقتصادی و احساس عدم برخورد مناسب با مفاسد اقتصادی ذیل مفهوم اصلی معیشتی- اقتصادی مطرح شده است. ایشان بر این باورند بخش عمده‌ای از افراد پس از فراغت از تحصیل، شغل و شأن اجتماعی مد نظر خود را نیافته یا نوجوانان دهه هشتادی به رغم مشغول بودن به تحصیل، به دلیل مشکلات معیشتی خانواده و تأمین بخشی از هزینه‌های خود، مجبور به اشتغال بوده‌اند که تورم و گرانی‌های چند سال اخیر در تشدید نارضایتی آن‌ها و حضور در اغتشاشات مؤثر بوده است. همچنین وجود ذهنیت منفی علیه نظام و مسؤولین به عنوان مقصر وضعیت موجود و احساس عدم برخورد مناسب با مفاسد اقتصادی از طرف حاکمیت نیز در این امر اثرگذار بوده است. تأکید اصلی در این گفتمان، تلاش برای کاستن از کژکارکردهای نظام حکمرانی و اصلاح نقایص است.

ج. گفتمان تربیتی حول دال مرکزی ضعف رویکرد الهی در نظام تربیت رسمی و غیررسمی که شامل چهار لحظه است: ۱- غفلت از آموزش و پرورش؛ ۲- رهاشدگی دانشگاه‌ها؛ ۳- علوم انسانی غربی؛ ۴- چالش تربیت در خانواده. فراموشی نگاه توحیدی و الهی به تربیت، چه در ساحت تربیت رسمی مانند مدرسه و دانشگاه و چه در ساحت تربیت غیررسمی مانند خانواده، مهم‌ترین دلالت این گفتمان است. کرونا و مجازی شدن مراکز آموزشی اعم از مدارس و دانشگاه‌ها و همه‌گیری رهاشده استفاده از فضای مجازی، تهدیدی جدی را متوجه نظام آموزش عمومی و آموزش عالی کرد. رسوخ فرهنگ و ارزش‌های غیررسمی و همسو با ولنگاری غربی در میان نوجوانان و تربیت‌یافتگی بسیاری از اغتشاشگران نوجوان و جوان بر اساس مؤلفه‌های سبک

زندگی غربی عامل پیشران و مهم‌ترین مؤلفه در بروز کنش‌های اجتماعی با رویکرد ضدامنیتی در جریان اغتشاشات پاییز ۱۴۰۱ بوده است. همچنین سستی نهاد خانواده و موافقت، بی‌تفاوتی یا انفعال برخی والدین در برابر رفتار فرزندان‌شان نیز از عوامل است که در گفتمان تربیتی می‌گنجد (مفخمی شهرستانی و احتشامی، ۱۴۰۱).

د. گفتمان اجتماعی حول دال مرکزی شیوع سبک زندگی غربی که شامل پنج لحظه است: ۱- غرب‌گرایی؛ ۲- ضعف هویتی؛ ۳- زیست مجازی؛ ۴- حس بی‌آیندگی؛ ۵- الگوگیری از سلبریتی‌ها. در این گفتمان، تغییر سبک زندگی اسلامی ایرانی به سبک زندگی غربی، محور اصلی است. مفخمی شهرستانی و احتشامی (۱۴۰۱) نیز تغییر غیراعتلایی و انحطاطی در سبک زندگی و طرز تفکر را از عوامل شکل‌گیری اغتشاشات پاییز ۱۴۰۱ معرفی می‌کنند. ایشان بر این باورند کرونا و تعطیلی مدارس و همه‌گیری استفاده بی‌قید و شرط از اینترنت و فضای مجازی به واسطه وجود انواع فیلترشکن‌ها، آن‌هم بدون کنترل مناسب از سوی والدین، به عنوان تهدیدی مؤثر و پیشرانی تشدیدکننده در بروز و ظهور این طیف از نسل جوان عمل کرده و در سبک زندگی اغتشاشگران مشهود است. علاوه بر این، انحراف فرهنگی و رسوخ ضد ارزش‌های غربی و غیربومی؛ مدگرایی، پاتوق و گعده‌های دورهمی در کافه‌ها؛ انباشت ناهنجاری‌ها و آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی مانند اردوهای مختلط، شرط‌بندی، قمار، مشروبات الکلی، مواد مخدر به ویژه گل، خامه مجردی، قربانی خشونت و تجاوز خانوادگی، انحرافات و فساد اخلاقی؛ مدگرایی مانند تو، پیرایشگاه‌ها و آرایشگاه‌ها؛ ارتباط نامشروع و غیرمتعارف با جنس مخالف؛ و مخالفت با حجاب و پوشش زنان از مهم‌ترین عناصری است که در پژوهش مفخمی شهرستانی و احتشامی (۱۴۰۱) بیان شده است. عرفان منش (۱۴۰۲) نیز در پژوهش خود به عوامل اجتماعی و مرتبط با سبک زندگی اشاره می‌کند. او بر این باور است ایجاد دو یا چنددستگی میان مردم زمانی برجسته‌تر می‌شود که نسل جدیدتر، نوجوان و جوان، در فضای اجتماعی‌ای قرار دارند که شاهد تنوع و اختلاف بیشتر میان سبک زندگی و شیوه‌های تربیتی هستند. همچنین هر چه از گذشته به زمان حال نزدیک می‌شویم، تنوع و تکرر کیفی و کمی در گروه‌های مرجع افزایش داشته است. امروزه، گروه‌های مرجع برای نوجوانان و جوانان همگرا و یک-دست نیستند و هم‌زمان می‌توان گروه‌هایی متضاد یا متناقض را نیز شناسایی کرد. ورود و اقبال فزاینده مردم به شبکه‌های اجتماعی از سال‌های ابتدایی دهه ۹۰، گویای این واقعیت بوده که مصرف رسانه‌ای مردم شکل و کیفیت متفاوتی به خود گرفته است. پس از همه‌گیری شبکه‌های اجتماعی، گروه‌های

مرجع نه تنها متنوع شدند، بلکه دیگر نیازمند به کسب برخی صلاحیت‌های پیشین نبودند و چه بسا هر کاربری که می‌توانست توجه و محبوبیت بیشتری را به خود اختصاص دهد، این قدرت و قابلیت را پیدا می‌کرد که به یک مرجع توجه و سلبریتی تبدیل شود.

بدین ترتیب بر اساس نتایج این پژوهش، تحلیل جامع اغتشاشات پاییز ۱۴۰۱، مستلزم رویکردی چند ساحتی و چند گفتمانی است. چرا که ماهیت این اغتشاشات نیز دارای ابعاد و سطوح متفاوتی بوده است. بر این مبنا هم عوامل داخلی و هم عوامل خارجی در شکل‌گیری و استمرار این اغتشاشات اثرگذار بوده است. لیکن در مجموع به رغم پذیرش کاستی‌هایی در نظام حکمرانی، ساحت تربیتی و ساحت اجتماعی، مهم‌ترین ویژگی و شاخصه تحلیلی این اغتشاشات را می‌توان مواجهه تمدنی انقلاب اسلامی و غرب دانست. به بیان دیگر این اغتشاشات را می‌توان قطعه‌ای از پازل تلاش غرب برای اجتناب از شکست در برابر تمدن بزرگ اسلامی به رهبری انقلاب اسلامی ایران دانست.

منابع

- احمدی، ویده (۱۴۰۱). تحلیل جایگاه زنان در نآرامی‌های اجتماعی اخیر، دیده‌بان امنیت ملی، ۱۲۷: ۹۵-۱۰۶.
- پناهی، محمد حسین، گودرزی، آیت‌الله (۱۳۹۲). نآرامی‌های اجتماعی: عوامل و فرایند آن، پژوهشنامه نظم و امنیت انتظامی، (۲۳): ۱-۳۰.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۴۰۲ الف). بیانات در مراسم سی و چهارمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی رحمت الله علیه، مورخ ۱۴۰۲/۰۳/۱۴.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۴۰۲ ب). بیانات در دیدار مسؤولان نظام، مورخ ۱۴۰۲/۰۱/۱۵.
- خواجه سروی، غلامرضا و خجسته، کمیل (۱۳۹۸). الگوی رقابت رسانه‌های جبهه انقلاب اسلامی با جبهه غربی در فتنه ۸۸ با محوریت فضای مجازی، اسلام و مطالعات اجتماعی، (۲۵)، ۱۴۴-۱۷۴.
- صادقی، سهیلا، عرفان منش، ایمان (۱۳۹۸). نوجوانان دیجیتال و قدرت کنشگری، تهران: حقوقی.
- طاهری کیا، حامد (۱۴۰۱). رخداد زن، زندگی، آزادی و نبرد بر سر تسخیر فضا، مطالعات فرهنگی و ارتباطات، (۴)۱۸، ۶۵-۱۰۰.
- عرفان منش، ایمان (۱۴۰۲). تحلیل راهبردی PESTEL از زمینه‌های فرهنگی و ارتباطاتی فتنه پاییز ۱۴۰۱ با تأکید بر شکاف در جامعه‌پذیری، راهبرد اجتماعی فرهنگی، (۱)۱۲، ۳۰۵-۳۳۳.
- کاظمی، محمد (۱۴۰۲). تحلیل تفصیلی رئیس سازمان اطلاعات سپاه از جنگ ترکیبی دشمن در اغتشاشات پاییز ۱۴۰۱، مورخ ۱۴۰۲/۰۳/۲۹. دسترسی برخط:
- <https://farsi.khamenei.ir/others-dialog?id=53161>
- گنج خانلو، سکینه؛ شاکری گلپایگانی، طوبی (۱۴۰۲). نقش زن در شعار «زن، زندگی، آزادی» در اسلام و غرب، پژوهش‌های میان رشته‌ای زنان، (۱)۵، ۱-۱۹.
- متقی، ابراهیم (۱۴۰۱). ایران در سند امنیت ملی امریکا، روزنامه‌ل دنیای اقتصاد، مورخ ۱۴۰۱/۰۷/۲۶.
- متولی امامی، سید محمد حسین (۱۳۹۸). تصرف؛ الگوی مواجهه اصیل جمهوری اسلامی با تمدن غربی، اسلام و مطالعات اجتماعی، (۴)۶، ۵۷-۷۸.
- محمدی، محسن و زین‌الصالحین، حسن (۱۴۰۲). «واگویه‌های یک جنبش اجتماعی» کارکردهای تئوریکي ترانه اعتراضی برای ...، مطالعات هنرهای زیبا، (۱۰)۴، ۳-۱۵.
- مفخمی شهرستانی، حسن و احتشامی، علی (۱۴۰۱). تحلیل امنیتی- اجتماعی نآرامی‌های پاییز ۱۴۰۱، نشریه علمی انتظام اجتماعی، (۴)۱۴، ۱-۲۸.

- مهر (۱۴۰۱). جزئیات فوت مهسا امینی از زبان رئیس قوه قضائیه. خبرگزاری مهر، مورخ ۱۴۰۲/۰۷/۱۲.
- میرزایی، خلیل (۱۳۹۵). پژوهش، پژوهشگری و پژوهش نامه نویسی: روش‌شناسی - روش - طرح نویسی - مفهوم‌سازی - ادبیات پژوهش - تحلیل محتوا - تحلیل گفتمان. تهران: نشر جامعه شناسان.
- Corbin, J., Strauss, A. (2008). *Basics of qualitative research: techniques and procedures for developing grounded theory*. Thousand Oaks: Sage Publications.
- Johnson, B., Christensen, (2012). *Educational research: quantitative, qualitative, and mixed approaches*. Thousand Oaks, California: Sage.
- Laclau, E., Mouffe, C. (1985). *Hegemony and socialist strategy: Towards a radical democratic politics*. London: Verso.
- Lincoln, Y., Guba, E. (1985). *Naturalistic Inquiry*. SAGE Publications.
- Yin, R. (2009). *The art of case study research: Design and methods (4th edition)*. Thousand Oaks: CA: Sage Publications.